



دکتر مهرداد حلال خور  
پژوهشگر روابط بین الملل  
استاد مدعو مرکز مطالعات آمریکا

## پرونده ایران در سیاست خارجی آمریکا در دوران بایدن؛ فوریت یا امتداد

### مقدمه

جایگاه موضوع ایران در سیاست خارجی آمریکا برای سیاست‌گذاران ایرانی، امری مهم و تأثیرگذار است، زیرا این مسئله، معیار نوع برخوردهای آتی آمریکا با ایران، به عنوان یکی از موضوعات سیاست خارجی خود خواهد بود. خروج از توافق هسته‌ای و بازگرداندن تحریم‌های جدید علیه ایران، تدوین تعداد بیشتری از قوانین تحریمی در حوزه‌های موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر در کنار افزایش سطح تنش‌های کلامی و همچنین، وضعیت فعلی کاهش تمرکز آمریکا بر پرونده‌های در دستور کار سیاست خارجی این کشور در سطح بین‌المللی، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا ایران در دوران بایدن، به اولویت اصلی و فوری‌ترین مسئله سیاست خارجی آمریکا، تبدیل شده است؟ آیا آمریکا در حال حاضر، تمرکز بیشتری از گذشته سیاست خارجی این کشور، نسبت به موضوع ایران، معطوف کرده است؟ در این پژوهش سعی شده است تا به این دو پرسش پاسخ دهد.

جایگاه موضوع ایران در سیاست خارجی آمریکا برای سیاست‌گذاران ایرانی، امری مهم و تأثیرگذار است، زیرا این مسئله، معیار نوع برخوردهای آتی آمریکا با ایران، به عنوان یکی از موضوعات سیاست خارجی خود خواهد بود. خروج از توافق هسته‌ای و بازگرداندن تحریم‌های جدید علیه ایران، تدوین تعداد بیشتری از قوانین تحریمی در حوزه‌های موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر در کنار افزایش سطح تنش‌های کلامی و همچنین، وضعیت فعلی کاهش تمرکز آمریکا بر پرونده‌های در دستور کار سیاست خارجی این کشور در سطح بین‌المللی، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا ایران در دوران بایدن، به اولویت اصلی و فوری‌ترین مسئله سیاست خارجی آمریکا، تبدیل شده است؟ آیا آمریکا در حال حاضر، تمرکز بیشتری از گذشته سیاست خارجی این کشور، نسبت به موضوع ایران، معطوف کرده است؟ در این پژوهش سعی شده است تا به این دو پرسش پاسخ دهد.

موضوع ایران، معطوف کرده است؟  
 فرض اصلی این پژوهش، این است که ایران به عنوان یکی از موضوعات راهبردی سیاست خارجی آمریکا، همانند گذشته مطرح است اما اقداماتی که در کابینه بایدن علیه این کشور در حال انجام بوده، بخشی از برنامه‌ای است که دولت‌های گذشته آمریکا نیز به دنبال آن بوده‌اند. به عبارت دیگر، **اقدامات بایدن در راستای اهداف کلان سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران است و تیم سیاست خارجی ترامپ، تاکنون اقدامی کمتر از روندی که از گذشته در قبال ایران نیز وجود داشته است، علیه ایران انجام نداده‌اند.** اقدامات فعلی بایدن، بخشی از نقشه کلی و کلان آمریکا نسبت به ایران بوده و او نیز علی‌رغم انتقادات در مناظره‌های ریاست جمهوری از ترامپ، در همین راستا و در حال اتخاذ اقدامات فعلی است، لذا نمی‌توان این اقدامات را نشانه‌ای برای فوری شدن پرونده ایران در سیاست خارجی آمریکا دانست. مسئله ایران در سیاست خارجی آمریکا، حداقل در ۱۴ سال اخیر،

بر مبنای یک اصل ساده اما بسیار مهم به نام اصل مهار، بنا شده است. مهار ایران در حوزه‌های مختلف، به عنوان شاه‌بیت تمامی تلاش‌های سیاست خارجی آمریکا در قبال این کشور بوده است.<sup>۱</sup> فرض اساسی اصل مهار در خصوص ایران نیز این است که نظام سیاسی حاکم بر ایران به صورت بنیادی با منافع آمریکا در تضاد بوده و جهت‌گیری‌های این نظام سیاسی برای منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه هزینه‌دار است.<sup>۲</sup> لذا برای تغییر نظام سیاسی ایران، ابتدا باید این کشور را مهار کرد و در ادامه روند مهار، زمانی که دامنه نفوذ این کشور به مرزهای آن محدود شد، با فشار اقتصادی و سیاسی، محبوبیت و مقبولیت این نظام سیاسی را در داخل، با خدشه مواجه کرد و در نهایت، زمانی که این مسئله به پختگی لازم رسید و ایران مانند حکومت صدام، هیچ ابزار دفاعی قابل قبولی نداشت

و مانند لیبی، حکومت قذافی با حضور گسترده مردم ناراضی در خیابان‌ها مواجه شد، با هزینه بسیار کم سیاسی و نظامی، نظام سیاسی ایران را تغییر داد. از دید آمریکایی‌ها این روند، از آن رو اهمیت دارد که نظام سیاسی ایران را در راستای خواسته‌های غرب، غیرقابل اصلاح می‌داند.<sup>۳</sup> با این منطق، حذف نظام سیاسی ایران در حال حاضر با استفاده از اقدام نظامی با هزینه‌های سنگین نظامی و اقتصادی، قابل انجام است و دولت آمریکا در شرایط فعلی، اراده و توان انجام چنین هزینه‌ای برای ساقط کردن جمهوری اسلامی را ندارد، لذا تنها اقدام قابل انجام، اجرایی کردن سیاست مهار در رابطه با ایران است. برای اجرای استراتژی مهار، همان‌طور که بیان شد، فراتر از اینکه قوه مجریه در اختیار ترامپ باشد یا بایدن، ابتدا باید توانمندی‌های ایران از آن گرفته شود. در تصور هیئت حاکمه

1. <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/03/29/6-elements-of-a-strategy-to-push-back-on-irans-hegemonic-ambitions/> and also: «The Obama administration made a clear decision that working on those other issues, making progress on those, is easier with an Iran that does not have a nuclear weapon than with an Iran which is working towards one.» At: <https://edition.cnn.com/2018/05/08/politics/iran-deal-john-kerry-trump-intl/index.html>  
 2. <http://carnegie-mec.org/diwan/76845>

3. <https://bipartisanpolicy.org/wp-content/uploads/2018/05/BPC-National-Security-Strategic-Options-on-Iran.pdf> & <https://www.forbes.com/sites/realspin/2017/01/21/iran-has-changed-but-for-the-worse/#48ce731e754a> & <https://www.washingtonpost.com/news/global-opinions/wp/2018/05/30/why-trumps-plans-for-regime-change-in-iran-will-have-the-opposite-effect/> & <https://foreignpolicy.com/2018/05/08/iran-will-never-trust-america-again/>

در انتخابات، استفاده از اجماع جهانی علیه موضوعات هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران، در دستور کار خواهد بود. استفاده از تحریم نیز بیش از آنکه در اختیار قوه مجریه باشد، در کنگره به تصویب می‌رسد و نشان دهنده تصمیمات هیئت حاکمه آمریکا در خصوص ایران است.

بنابراین و به‌عنوان نتیجه‌گیری، نمی‌توان بایدن را تغییر دهنده جهت سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران دانست، بلکه بیش از این موضوع، او ادامه دهنده روند همیشگی و کلان سیاست خارجی آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، بوده است و مذاکرات احیای برجام نیز برای آمریکایی‌ها، تنها به‌عنوان ابزار محدود ساختن توانمندی هسته‌ای ایران، عمل خواهد نمود.

با وجود این، هنوز مسئله موشکی و منطقه‌ای ایران، بر روی میز است. توانمندی‌های ذکر شده باید از این کشور گرفته شود و هر تیمی که قوه مجریه را در دست بگیرد، باید در راستای این دو موضوع اساسی، ایران را تحت فشار قرار دهد. روش گرفتن این توانمندی‌های ایران نیز اعمال فشار بر این کشور، به‌صورت اقتصادی است که عمدتاً با ابزار تحریم صورت می‌گیرد.

در واقع، رفتار ترامپ در رابطه با تحریم ایران، بیش از آنکه پروژه‌ای جمهوری خواهانه باشد، پروژه‌ای دموکرات محور بوده است؛ رفتاری که اکنون در دوره بایدن نیز به‌خوبی مورد استفاده قرار گرفته است. بایدن نیز در سخنرانی‌های انتخاباتی خود در مقابل ترامپ، به این واقعیت اشاره کرد که در صورت پیروزی

آمریکا، این توانمندی‌ها عبارت‌اند از توانمندی هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران؛ بنابراین، برجام می‌تواند با کمترین هزینه و بدون اینکه چیز قابل توجهی به ایران بدهد، مسئله هسته‌ای ایران را مهار کند و قدرت رسیدن به بمب اتمی را از این کشور بگیرد.<sup>۱</sup> در تمام صحبت‌های مذاکره‌کنندگان و مذاکرات اخیر احیای برجام، حتی بخش اعظمی از مخالفان برجام، این واقعیت پذیرفته شده است که برجام، فاصله ایران با بمب اتمی را از ۳ ماه به یک سال می‌رساند.<sup>۲</sup>

1. <https://www.jpost.com/Middle-East/Iran-News/Obama-Kerry-slam-Trump-withdrawal-from-Iran-deal-as-path-to-war-54856> & <https://obamawhitehouse.archives.gov/issues/foreign-policy/iran-deal>
2. <https://www.washingtonpost.com/news/post-politics/wp/2016/01/17/full-transcript-president-obama-addresses-the-iran-nuclear-deal-and-u-s-iran-swap/&https://www.nytimes.com/2015/07/15/world/middleeast/iran-nuclear-deal-is-reached-after-long-negotiations.html>

# مهار ایران با ابزار تحریم

منطقه‌ای

موشکی

هسته‌ای

(با برجام انجام می‌شود)